

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۶۵
جمعه ۵ فروردین ۱۴۰۱ - ۲۵ مارس ۲۰۲۲

برجام، جنگ اوکراین، و وضعیت اقتصادی حکومت

این نوشته بر مبنای مصاحبه با کانال جدید تدوین شده است

حمید تقوائی

خلیل کیوان: خامنه ای در پیام نوروزی ۱۴۰۱ خودش تاکید کرد که رفع گرانی و تورم به این زودی واقع بینانه نیست. این به چه معناست؟ اوضاع اقتصادی جمهوری اسلامی به کدام سمت میرود؟ در صورتی که برجام به فرجام برسد و توافقی حاصل بشود آیا گره کور مشکلات اقتصادی جمهوری اسلامی باز میشود؟ آیا جنگ پوتین در اوکراین از نظر اقتصادی به نفع جمهوری اسلامی بوده است؟ در این مصاحبه به این مسائل میپردازیم.

حمید تقوائی ابتدا به پیام خامنه ای پردازیم. کار بجایی رسیده است که دیگر وعده هم نمیدهند. علیرغم اینکه جمهوری اسلامی مدعی است که با وجود تحریم ها بطور پنهانی وسیعاً نفت صادر کرده اند و درآمدها افزایش داشته است، با وجود اینکه گفته میشود در برجام دارند به توافق نزدیک میشوند، با این حال میگویند انتظار رفع گرانی و تورم را نداشته باشید. اینکه مردم را خشمگین تر میکند، مردمی که زیر بار گرانی و فقر همین امروز له شده اند. چه ضرورتی دارد که اینطور صحبت میکنند؟ این پیام را شما چطور ارزیابی میکنید؟

حمید تقوائی: علت این اظهارات اینست که خامنه ای به خوبی می داند گرانی و تورم و کلا معضلات اقتصادی حکومتش به این زودی ها برطرف نمیشود؛ نه تنها برطرف نمیشود بلکه هر روز بدتر هم میشود. این را در تجربه دیده اند. سال بعد از سال خامنه ای آمده در پیام های نوروزی یا مناسبت های مختلف وعده داده است که وضع بهتر خواهد شد، سال اقتصاد مقاومتی است، سال بالا بردن تولید ملی است و از این نوع حرفها منتهی هر سال وضع بدتر شده است. کارشناسان حکومتی در اوایل سال گذشته پیش بینی میکردند نرخ تورم به ۲۲ درصد میرسد، الان بالاتر از ۴۰ درصد است. یعنی دو برابر آنچه خودشان پیش بینی میکردند. این نرخ رسمی و میانگین است. بهای برخی از کالا ها رشد چند صد درصدی داشته است. بنابراین خامنه ای بخوبی میداند که وضع بدتر خواهد شد و نمیخواهد توقع و انتظار مردم را بالا ببرد. در واقع میگوید باید بسوزید و بسازید. همین دولت به اصطلاح "انقلابی" شان با کلی وعده و وعید که چنین میکنیم و چنان میکنیم و عدالت برقرار میکنیم و قوه قضایه را زیور رو

ادامه در صفحه ۲



شماره صفحه:	در این شماره انترناسیونال:
۴ تا ۱	برجام، جنگ اوکراین، و وضعیت اقتصادی حکومت. حمید تقوائی
	چشم انداز اوضاع سیاسی و اعتراضی در سال جدید. مصاحبه
۷ تا ۵	انترناسیونال با شهلا دانشفر
۸	نوروز ۱۴۰۱: دهن کجی جامعه به حکومت اسلام. عبدال گلپریان
۹	گرانی و تورم بیشتری در راه است. محمد شکوهی
۱۰	بایدن، پوتین، و "جنایتکاران جنگی". کاظم نیکخواه
۱۰	جشن های نوروزی و رقص زنان؛ تهدیدی برای حاکمیت اسلامی. انقلاب زنان
	نرخ بالای بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاه و ترک تحصیل دانش آموزان،
۱۱	چرا و چه باید کرد؟ دانشگاه سنگر آزادی و برابری
۱۳ و ۱۲	از مادیای اجتماعی حزب
۱۴	اطلاعیه های حزب

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی

«خامنه ای ناگزیر شده است وعده و وعید را کنار بگذارد و به مردم بگوید که انتظار زیادی نداشته باشید، وضع همین است که هست. معنی پیامش این است.»



حمید تقوایی

میکنیم، مشکلات اقتصادی را حل میکنیم و غیره روی کار آمد و دیدیم در تمام این زمینه ها وضع بهبودی پیدا نکرد که هیچ، بدتر و بدتر هم شد. به همین خاطر خامنه ای ناگزیر شده است وعده و وعید را کنار بگذارد و به مردم بگوید که انتظار زیادی نداشته باشید، وضع همین است که هست. معنی پیامش این است.

خلیل کیوان: در برنامه هفته قبل تحت عنوان وضعیت جمهوری اسلامی در سایه جنگ اوکراین از این صحبت کردید که موقعیت جمهوری اسلامی به عنوان یک متحد پوتین ضربه خورده است، برخی بر این باورند که برعکس در جنگ اوکراین با گرانتر شدن قیمت نفت پول بیشتری به خزانه جمهوری اسلامی میآید و آمریکا هم امتیازات بیشتری به جمهوری اسلامی میدهد و هستند صاحب نظراتی که میگویند آمریکا برای رسیدن به توافق با جمهوری اسلامی حتی عجله دارد چون که میخواهد با وارد کردن نفت از ایران به بازار اروپا اثر تحریم های نفت روسیه را خنثی کند. از این هم صحبت میشود که آمریکا در صدد خارج کردن اسم سپاه پاسداران از لیست تروریست ها است و غیره. میگویند شواهدی از این دست نشان میدهد که دولت آمریکا دنبال سرنگونی جمهوری اسلامی و حتی مقابله با آن نیست. در این مورد چه نظری دارید؟

حمید تقوایی: در مورد نکته آخر باید بگویم همیشه اینطور بوده، نکته جدیدی نیست. دولت آمریکا چه در دوره فعلی و چه در دوره ترامپ و چه در دوره اوباما و حتی قبل از آنهم

هیچوقت درصدد نه تنها کنار زدن و سرنگونی بلکه حتی تغییرات جدی در حکومت جمهوری اسلامی نبوده است. حداکثر تلاششان این بوده که این حکومت را در چارچوب سیاستهای منطقه ای خودشان قرار بدهند و حتی بارها گفته اند که میخواهیم این حکومت بماند و اتفاقا میخواهیم که به بازار جهانی برگردد مشروط بر اینکه شرایط ما را قبول کند. حتی ترامپ که ظاهرا خیلی جمهوری اسلامی را تحت فشار گذاشته بود و تحریم ها را افزایش داده بود بارها گفت که ما بدنال رژیم پنج یا تغییر حکومت نیستیم بلکه می خواهیم جمهوری اسلامی بیاید سر میز مذاکره و شرایط را بپذیرد. حتی قول داده بود که اگر شرایط ما را بپذیرد کاری میکنیم که وضع تان بهتر بشود، رونق اقتصادی پیدا بکنید، ثبات پیدا بکنید و غیره. همیشه خط استراتژیک دولت آمریکا و دولتهای اروپایی همین بوده است.

کلا قدرتهای جهانی تا وقتی که واقعا مردم زمین را زیر پای یک حکومتی داغ نکنند و تا تشخیص ندهند که بر سر کار ماندن حکومتی بیشتر منافع آنها را بخاطر میاندازد تا کنار رفتن یک حکومت، حتی با وحشی ترین دیکتاتوری ها کنار خواهند آمد. در مورد جمهوری اسلامی هم همین سیاست را دارند. هم دولت آمریکا و متحدین اش، و هم بلوک مقابل یعنی دولت روسیه و دولت چین، خواهان این هستند که هر یک به نحوی و در چارچوب حفظ منافع خودشان جمهوری اسلامی را نگه دارند.

اما در این مورد که بر اثر جنگ اوکراین قیمت نفت بالا می رود و غیره باید بیاد بیاوریم که در دوره احمدی نژاد علیرغم

اینکه نفت گرانتر شد و درآمد دولت چند برابر شد، وضعیت اقتصادی مردم بدتر و بدتر شد و آن پولها یا در جیب گشاد دار و دسته های مافیایی حکومتی گم شد و یا خرج تسلیحات و خرج موشک پراکنی و دخالت در منطقه و غیره شد. بهر حال هر اتفاقی افتاد برای مردم مسئله ای حل نشد. آن دوره هم تورم و گرانی همچنان بیداد میکرد.

نمونه دوم وقتی بود که در اوج برجام، زمانی که در دوره اوباما تحریم ها هم برداشته شده بود و برجام منعقد شده بود ما شورش ۹۶ را داشتیم که اساسش اعتراض به فقر و بی تأمینی اقتصادی توده مردم بود.

این نمونه ها نشان میدهد که داستان بر سر برجام و درآمد نفتی و غیره نیست. بقول شما همین امروز هم اینها از طریق بازار قاچاق و مناسباتی که دارند نفت شان را صادر میکنند و درآمد بدی هم ندارند. حالا گیرم بر اثر قضیه اوکراین قیمت نفت بالا بماند و بالاتر هم برود و جمهوری اسلامی پول بیشتری هم به دست بیاورد، بحران اقتصادی حکومت حل نخواهد شد و بخصوص توده مردم چیزی نصیب شان نخواهد شد. بیکاری و گرانی حل نخواهد شد، بلکه بدتر هم خواهد شد. از اینرو تا آنجا که به زندگی توده مردم مربوط میشود این فاکتورها تعیین کننده نیست.

همانطور که در مصاحبه قبلی هم گفتم اگر همه جانبه تر نگاه کنیم از نظر سیاسی، از نظر استراتژیک جمهوری اسلامی بازنده این جنگ است بخاطر اینکه موقعیت پوتین کاملا ضربه خورده و تضعیف شده است، پوتین بطرف منزوی شدن هر چه بیشتر می رود و

جمهوری اسلامی تا آنجایی که خودش را به این بلوک وصل کند در این سیر نزولی شریک خواهد بود. واقعیت این است نه افزایش قیمت نفت و نه توافق برجام تغییر اساسی در بحران عمیق اقتصادی حکومت ایجاد نخواهد کرد.

خلیل کیوان: در مورد برجام جمهوری اسلامی میگوید که به مرحله نهایی توافق نزدیک شده ایم و آمریکا از آن طرف میگوید توافق بر سر احیای برجام نه قطعی است و نه حتمی است. بالاخره سر نوشت مذاکرات برجام چه میشود؟ آیا در صورتی که به توافق برسند وضع اقتصادی رژیم بهتر میشود؟ در صورتی که به توافق نرسند ما با چه وضعی روبرو میشویم؟

حمید تقوایی: تا آنجایی که به سر نوشت برجام مربوط میشود نشانه هایی در دست است که طرفین دارند به توافق نزدیک میشوند. اگر این مانور آخری روسیه نبود شاید تا الان به توافق رسیده بودند. اتفاقاتی مثل آزاد کردن نازنین زاغری هم در واقع نشان دهنده این است که اینها دارند به شرایط همدیگر جواب میدهند. شرطی که روسیه گذاشته بود را هم قبول کرده اند و مانع روسیه هم ظاهرا برطرف شده است.

بنابراین بعید نیست که به توافق برسند. اگر نه در عرض چند روز ولی بالاخره در هفته های آتی یا ماه های آتی. ولی بحث بر سر این است که تأثیرات و پیامدهای این توافق چه خواهد بود؟

چندی قبل یکی از کارشناسان اقتصادی حکومت این نظر را داد که دولت جمهوری اسلامی ورشکسته است و اگر در برجام به توافقی برسیم، این

ورشکستی ممکن است مثلا پنج سال دیگر خودش را نشان بدهد و اگر به توافق نرسیم دو یا سه سال دیگر. یعنی تفاوت در این است که چند سال ورشکستگی به عقب خواهد افتاد. با این ترتیب اینکه جمهوری اسلامی ورشکسته است و از نظر اقتصادی بحران ساختاری و نهادینه دارد حتی خود کارشناسان و اقتصاددانان حکومتی دارند اعتراف میکنند. این یک واقعیت است. ما همیشه بحث مان این بوده که بحران اقتصادی جمهوری اسلامی پایه سیاسی دارد. بخاطر موقعیت محوری جمهوری اسلامی در جنبش اسلام سیاسی و پرچم داری تروریسم اسلامی و بخاطر دخالت هایش در منطقه، بخاطر انزوای جهانی اش و غیره حتی اگر برجام را هم امضا کنند سرمایه دارها ثبات سیاسی در این حکومت نمی بینند که حاضر بشوند برای دراز مدت و حتی میان مدت در ایران سرمایه گذاری کنند و با وارد قرارداد و معاملات کلان اقتصادی با حکومت بشوند. اینها واقعیات است و اینها را در تجربه دیده ایم.

مستقل از اینکه جمهوری اسلامی چه رابطه ای با دولتهای غربی دارد، تحت تحریم هست یا نه، نفت با چه نرخی بفروش میرسد یا نمیرسد، بحران اقتصادی جمهوری اسلامی هر روز عمیق تر و وسیعتر شده است. امروز خودشان دارند از ورشکستگی در عرض سه یا چهار سال صحبت میکنند. ورشکستگی به این معنا که حتی حقوق کارمندان را نمی توانند بدهند. برجام حتی اگر به فرجام برسد از این نظر که هر نوع بهانه و توجیهی را از حکومت میگیرند و انتظار مردم برای حل مشکلات

ادامه از صفحه ۲

این پتانسیل هست، این امکان هست، که در صورت بروز یک شورش توده ای دیگر رژیم نتواند آنرا بخواباند؛ نه به این معنی که شورش ادامه پیدا کند بلکه به این معنی که وارد فاز اعتصابات، تحصن و تجمعات سراسری تمام بخشهای جامعه با هم بشویم به نحوی که ماشین دولتی جمهوری اسلامی فلج بشود. و به این معنا وارد فاز انقلابی میشویم که میتواند ضربه نهایی را به حکومت وارد کند. طبعاً این خود به خود بوجود نمی آید. این امر در گرو فعالیت احزاب و نیروهای انقلابی مثل حزب کمونیست کارگری است و ما به سهم خودمان این تلاش را خواهیم کرد که اعتراضات در این جهت سوق پیدا کند.

اقتصادیشان را بالاتر میبرد به تعرض توده مردم و بحران حکومت خواهد افزود.

حزب ما همیشه بر این واقعیت تاکید داشته است که اقتصاد جمهوری اسلامی از نظر ساختاری بحران زده است و این کاملاً گره خورده است به موجودیت سیاسی ایدئولوژیک، منطقه ای و داخلی خود این حکومت. تا وقتی که جمهوری اسلامی حکومتی است با پرچم مرگ بر آمریکا و پرچم غرب ستیزی و پرچم دفاع از اسلاميون در منطقه و غیره مساله اقتصاد حل نخواهد شد. عبارت دیگر مساله بحران اقتصادی جمهوری اسلامی فقط با سرنگونی این حکومت می تواند حل بشود. امروز خود کارشناسان حکومتی به اینجا رسیده اند که در آستانه ورشکستگی قرار دارند و راه حلی نیست.

خلیل کیوان: بیشتر به پیام خامنه ای توجه کنیم. وقتی ایشان میگویند که گرانی و تورم حل نمیشود بطور واقعی معنی اش این است که اوضاع بدتر هم میشود. این را هم به تجربه دیده ایم. این یعنی فقر و گرسنگی بیشتر مردمی که دارند با فقر دست و پنجه نرم میکنند. خوب انفجار اجتماعی در چنین شرایطی دور از انتظار نیست. سؤال اینست که آیا دوباره ما با سرکوب خونین روبرو میشویم؟

حمید تقوایی: همانطور که اشاره کردید این احتمال بالائی دارد که یک خیزش توده ای یا با یک طغیان دیگری نظیر ۹۶ و ۹۸ شکل بگیرد. نمونه هایی از آنرا در اصفهان و در خوزستان هم در سال گذشته داشتیم و ممکن است که در سطح وسیعتری این اتفاق بیفتد. ولی آیا این به سرنوشت شورش های قبلی دچار خواهد شد؟ یعنی بعد از اوجگیری حداکثر بعد از چند ماه فرو خواهد خوابید؟ بنظر من لزوماً اینطور نیست. امروز شرایط کاملاً متفاوت است. من چند نکته را میگویم که به نظر من بر روند تحولات تأثیرات مثبتی خواهد داشت. اولین

حمید تقوایی: این مساله دو سطح دارد. یک مساله ویژه جمهوری اسلامی است که همانطور که گفتم به هويت این حکومت، به ساختار ایدئولوژیک، استراتژیک

حکومت، و به تعریفی که از خودش بدست داده برمیگردد. با سرنگونی جمهوری اسلامی این مانع برطرف خواهد شد ولی در سطح اساسی تری اگر مساله فقر به معنای ریاضت کشی اقتصادی، بمعنای تفاوت عمیق طبقاتی، فقر ۹۹ درصدی ها در مقابل ثروت کلان یک درصدی ها، بخواهد حل بشود، آنوقت مسئله فقط جمهوری اسلامی نیست بلکه نظام سرمایه داری است که نه تنها در ایران بلکه در همه کشورها ریاضت کشی اقتصادی را به توده مردم کارگر و کارکن، به نود و نه درصدی های جامعه، تحمیل کرده است.

در کشوری مثل ایران عوارض سلطه سرمایه داری موجد فقر و بی تامینی اقتصادی و سرکوب و بی حقوقی خیلی وسیعتری از کشورهای صنعتی پیشرفته تر است. ما همیشه گفته ایم که طبقه سرمایه دار

ادامه در صفحه ۴

تدارک دید و سازماندهی کرد. باید حرکت سراسری و همزمان میدانی جنبشهای اعتراضی جاری را در شکل تحصن و تجمع دست و از کار کشیدن و اعتصاب سراسری تدارک دید.

حزب ما این سیاست را دنبال میکند و تمام تلاشش را بکار میبرد که جامعه به این سمت برود. اینبار نباید اجازه بدهیم که مثل ۹۶ و ۹۸ اعتراضات بعد از اوجگیری اولیه بخوابد بلکه باید اعتراضات را تبدیل کنیم به حرکات تعرضی ادامه دار بخشهای مختلف جامعه. این هدف ما است و فراخوان من به تمام اکتیویست ها فعالین دست اندرکاران جنبشهای اعتراضی این است که این هدف را در برابر خودشان قرار بدهند تا بتوانیم دست در دست هم جامعه را از شر جمهوری اسلامی خلاص کنیم.

خلیل کیوان: بنظر می آید که شما هیچ راه حلی در چهارچوب جمهوری اسلامی برای حل معضلات اقتصادی برایتان متصور نیست. در اینصورت مشکل اقتصاد ایران چطور حل میشود؟ با سقوط جمهوری اسلامی، چه بخشی از جامعه و چه نیروی سیاسی ای راه حل دارد؟

این پتانسیل هست، این امکان هست، که در صورت بروز یک شورش توده ای دیگر رژیم نتواند آنرا بخواباند؛ نه به این معنی که شورش ادامه پیدا کند بلکه به این معنی که وارد فاز اعتصابات، تحصن و تجمعات سراسری تمام بخشهای جامعه با هم بشویم به نحوی که ماشین دولتی جمهوری اسلامی فلج بشود. و به این معنا وارد فاز انقلابی میشویم که میتواند ضربه نهایی را به حکومت وارد کند.

طبعاً این خود به خود بوجود نمی آید. این امر در گرو فعالیت احزاب و نیروهای انقلابی مثل حزب کمونیست کارگری است و ما به سهم خودمان این تلاش را خواهیم کرد که اعتراضات در این جهت سوق پیدا کند. به نحوی که نه تنها یک توفان اجتماعی یا یک شورش و خیزش شهری، بلکه هر اتفاقی که میتواند به اعتراض عمومی منجر بشود، مثلاً قتل ناموسی دیگری مثل تراژدی مونا حیدری و یا اعدام دیگری مثل مورد نوید افکاری و یا هر اتفاقی مثل درگیری زنان با اوپاشان رژیم بر سر حجاب و غیره، هر کدام از اینها جرقه ای باشد برای شکل گیری یک اعتراض عمومی و ادامه دار. البته باید این امر را از پیش

نکته مبارزات جاری کارگران و معلمان و بازنشستگان است که هم از نظر ابعاد سراسری اش و هم از نظر درجه سازمان یافتگی اش بنظر من بی نظیر است. نمونه دیگر جنبش خانواده های دادخواه یا جنبش دادخواهی است که مادران آبان و مادران خاوران و خانواده جانباختگان هوایمی اوکراینی محوره های آن هستند، جنبشی که فعالینش علناً اعلام کرده اند "رای من سرنگونی است". جنبشی که علناً اعلام کرده سران حکومت باید به جرم جنایت محاکمه بشوند. در اثر فعالیت این جنبش در سطح بین المللی دادگاه هایی تشکیل شده است و این دادگاهها غیابا جمهوری اسلامی را محکوم کرده اند.

نمونه های دیگری داریم مثل ۸ مارس و نمونه متاخرش چهارشنبه سوری امسال، و جشن عید امسال که فعالین جنبشهای اعتراضی با همبستگی با یکدیگر و بیانیه ها و فراخوانهای گسترده به میدان آمدند و کلاً جامعه با تجمعات و اعتراضات خیابانی و جشن و پایکوبی گسترده در خیابانها به استقبال این روزها رفت.

این نمونه ها نشان میدهد که

ادامه از صفحه ۳

” جواب این است که مردم با اداره شورایی حکومت را در دست بگیرند و تولید را بر اساس تامین منافع همه شهروندان سازمان بدهند. کلید اینجاست. کلید اینجاست که تولید را در جهت منافع جامعه سازمان بدهیم نه برای سودآوری. حکومت بالا سر مردم و مافوق مردم نمیتواند این کار را بکند، حکومت یک درصدی ها، حکومت سرمایه دارها نمیتواند این کار را بکند چون منافعشان اقتضا نمیکند. فقط کارگران و توده مردم همسرنوشت کارگران میتوانند این هدف را برآورده کنند و این چشم اندازی است که حزب طبقه کارگر، حزب کمونیست کارگری، در برابر جامعه قرار میدهد. یعنی چشم انداز سوسیالیسم را، چشم انداز تولید برای رفاه عمومی را، چشم انداز دخالت مستقیم مردم در امور روزمره خودشان از طریق تشکلهای نوع شورایی را. اینها جزئی از برنامه یک دنیای بهتر حزب ماست؛ ما برای اینها پیگیرانه مبارزه کرده ایم و خوشبختانه جامعه جواب مثبت داده است.“

در ایران فقط با دیکتاتوری و سرکوب میتواند سودآور باشد و قدرتش سیاسی اش را حفظ کند. تمام تاریخ صدساله اخیر ایران دیکتاتوری بعد از دیکتاتوری بوده است. یکبار به اسم مذهب، یکبار به اسم ناسیونالیسم و مام میهن، و اغلب موارد با همکاری و همدستی این دو، تسمه از گردن کارگر کشیده اند؛ فقر و بی ترمینی اقتصادی همیشه در جامعه بوده، و سرکوب و اختناق و زندانی سیاسی و شکنجه هم همیشه در جامعه بوده است. سوال اساسی تر و استراتژیک تر این است که چگونه باید از شر این دور باطل دیکتاتوری بعد از دیکتاتوری خلاص شد؟ کارگران هفت تپه راه نشان دادند. اعلام کردند اداره شورایی و اداره شورایی یعنی حکومتی که خود مردم مستقیماً در اداره جامعه دخالت دارند. دخالت با چه هدف و سیاستی؟ با سیاستی که همین امروز اعلام کرده اند: نه به فلاکت عمومی و ثروت نجومی، نه به تبعیض طبقاتی، نه به تبعیض در هر سطحی؛ تبعیض بین طبقات، تبعیض بین زن و مرد، تبعیض علیه مردم منسوب به مذاهب دیگر و ملیتهای دیگر، تبعیض علیه گرایشهای جنسی دیگر، علیه همجنسگرایان، تبعیض علیه خارجی ها، علیه مهاجرین و پناهندگان افغانستانی در ایران و غیره. اینها تبعیضاتی است که در ایران بیداد میکنند. این تبعیضات کمابیش در همه جوامع وجود دارد ولی در جمهوری اسلامی این مصائب به شدیدترین وجه و به شکل غیر قابل تحملی زندگی مردم را به جهنم تبدیل کرده است.

نمیکند. فقط کارگران و توده مردم همسرنوشت کارگران میتوانند این هدف را برآورده کنند و این چشم اندازی است که حزب طبقه کارگر، حزب کمونیست کارگری، در برابر جامعه قرار میدهد. یعنی چشم انداز سوسیالیسم را، چشم انداز تولید برای رفاه عمومی را، چشم انداز دخالت مستقیم مردم در امور روزمره خودشان از طریق تشکلهای نوع شورایی را. اینها جزئی از برنامه یک دنیای بهتر حزب ماست؛ ما برای اینها پیگیرانه مبارزه کرده ایم و خوشبختانه جامعه جواب مثبت داده است. امروز دیگر اداره شورایی فقط در صفحات برنامه یک دنیای بهتر و تبلیغات حزب ما نیست شعار خیابانی است، امروز برطرف کردن شکاف بین فلاکت عمومی، حقوق های نجومی دیگر در ادبیات حزبی نیست، شعار عمومی است، امروز مبارزه علیه تبعیض، تبعیض علیه افغانستانی ها، نسبت به زنان، نسبت به همجنسگرایان دیگر فقط در برنامه حزب نیست شعار خیابان شده است. اینها همه ما را امیدوار میکند و نشان میدهد که ما میتوانیم با سرنوختی جمهوری اسلامی جامعه ای بسازیم که از نظر سیاسی و اجتماعی توده مردم، ۹۹ درصدی های جامعه که در سرمایه داری منفعی ندارند، در استثمار منفعی ندارند، اینها قدرت را به دست بگیرند و از نظر اقتصادی تولید را در جهت رفاه عمومی سازمان بدهند و این یعنی نظام و

جامعه ای سوسیالیستی. این چشم اندازی است که جامعه برای رهایی در مقابل خودش دارد و حزب ما با تمام توان می کوشد که این چشم انداز تبدیل به یک واقعیت بشود.

با تشکر از امیر توکلی برای پیاده کردن متن اولیه این نوشته.

۲۳ مارس ۲۰۲۲

چشم انداز اوضاع سیاسی و اعتراضی در سال جدید

مصاحبه انترناسیونال با شهلا دانشفر



شهلا دانشفر

« حال در شرایطی که ما شاهد فلاکت بیسابقه و فاجعه بار مردم و سیر نزولی سطح معیشت کارگران و کل جامعه هستیم، حداقل دستمزد کارگران برای سال ۱۴۰۱ از سوی شورای عالی کار ۴ میلیون و ۱۷۹ هزار تومان تعیین شد. در حالیکه خودشان نرخ سبد معیشتی خانواده کارگری را ۹ میلیون و قبلتر از آن ده تا ۱۲ میلیون اعلام کرده بودند. بگذریم که به گفته خودشان همین افزایش مزدی ای را هم که مجبور شدند اعلام کنند برای مقابله با رکود بازار بوده است. از سوی دیگر تعویق پرداخت دستمزدها در سطح جامعه نیز عمومیت دارد و حتی پیمانکاران مفتخور حاکم بر صنعت نفت اعلام کرده بودند که پرداخت مزد سه ماه پایان سال را به سال ۱۴۰۱ موکول میکنند و این موضوع با موجی از اعتراض روبرو شد. همچنین ابعاد فاجعه بار بیکاری نیز بعد دیگری از وضعیت اسفناک معیشتی مردم و گسترش اعتراضات بخصوص در میان جوانان را بیان میکند. »

انترناسیونال: شهلا دانشفر! بسال تازه ای شروع شد و چشم انداز اوضاع بویژه از نظر اقتصادی چندان امیدوار کننده نیست. مبارزه برای رفاه و معیشت در ایران به جزئی از مبارزه سیاسی تبدیل شده است. چرا که افزایش سرسام آور قیمت کالاهای ضروری مورد نیاز مردم و گرانی ها زندگی بخش عظیمی از مردم را با رنج و محرومیت بسیار همراه کرده است. بنظر شما در سال جاری که اکنون در آغاز آن هستیم وضع از چه قرار خواهد بود؟

شهلا دانشفر: همانطور که همه میدانند بحران اقتصادی همزاد جمهوری اسلامی بوده و در طول ۴۳ سال حاکمیت این رژیم چیزی جز فقر و فلاکت و بی تامینی نصیب مردم نشده است. طی تمام این سالها چپاول و غارت زندگی و معیشت مردم و رانده شدن هر روز بیشتر جامعه به دره فقر و نابودی سیاست جاری و هر روزه حکومت مافیایی سرمایه داری حاکم بوده است. اما امروز بحث بر سر رسیدن اقتصاد جمهوری اسلامی به خط پایان و ورشکستگی کامل است و این به وضعیت کنونی و تقابل مردم با این حکومت بر سر زندگی و معیشت ویزگی میدهد.

از سوی دیگر تعویق پرداخت دستمزدها در سطح جامعه نیز عمومیت دارد و حتی پیمانکاران مفتخور حاکم بر صنعت نفت اعلام کرده بودند که پرداخت مزد سه ماه پایان سال را به سال ۱۴۰۱ موکول میکنند و این موضوع با موجی از اعتراض روبرو شد. همچنین ابعاد فاجعه بار بیکاری نیز بعد دیگری از وضعیت اسفناک معیشتی مردم و گسترش اعتراضات بخصوص در میان جوانان را بیان میکند. در چنین شرایطی سال ۱۴۰۰ پایان گرفت. جالب است خامنه ای نیز در پیام نوروزی ۱۴۰۱ تنگی معیشت، گرانی و تورم را سخت ترین و مهمترین تلخی کشور در سال گذشته دانست و بعد مثل همیشه با بیشرمی تمام به چشم جامعه نگاه کرد

روی دستشان ماند. و یا بطور نمونه فروشگاههای لوازم خانگی تبلیغ فروش قسطی میکنند اما چندان خریدار پیدا نمیشود. این مصداق بارز وضعیت بحران اقتصادی ای است که تورم و رکود با هم بر اقتصاد حاکم شده است.

حال در شرایطی که ما شاهد فلاکت بیسابقه و فاجعه بار مردم و سیر نزولی سطح معیشت کارگران و کل جامعه هستیم، حداقل دستمزد کارگران برای سال ۱۴۰۱ از سوی شورای عالی کار ۴ میلیون و ۱۷۹ هزار تومان تعیین شد. در حالیکه خودشان نرخ سبد معیشتی خانواده کارگری را ۹ میلیون و قبلتر از آن ده تا ۱۲ میلیون اعلام کرده بودند. بگذریم که به گفته خودشان همین افزایش مزدی ای را هم که مجبور شدند اعلام کنند برای مقابله با رکود بازار بوده است.

به کل جامعه است. خودشان دارند از عواقب اجتماعی گرانی ها و از در پیش بودن آسانی به مراتب "بدتر" و با اشاره به اینکه اقتصاد ایران وارد دوران جدیدی شده و از حرکت لوکوموتیو نظام به ته دره سخن میگویند.

قدرت خرید مردم آنچنان پایین آمده است که کالاهای روی دست فروشندگان میماند و اینهم به معضلی در بازار تبدیل شده است. گر قبلا بفرص تولید کنندگان لوازم خانگی با فروش تولیدات خود در جامعه با مشکل روبرو بودند، اکنون این ناتوانی به خرید پوشاک، مسکن، درمان و دارو و حتی ارزاق و خوراک مردم کشیده شده است. میوه ها و بسیاری از مواد غذایی در انبار ها می ماند و می پوسند. حتی در آستانه نوروز دولت میوه جات را از باغات خریداری کرده بود که در بازار بفروشد. اما

دارد. اما بطور واقعی کار از ورشکستگی گذشته است. بحث بر سر فروپاشی اقتصادی است.

سیر اوضاع اقتصادی جمهوری اسلامی و سرازیری پرشتاب آن مصداق بارز این گزارش است و در این میان این زندگی و معیشت مردم است که دارد به نابودی کشیده میشود. از همین رو لایحه بودجه دولت برای سال ۱۴۰۱ یک لایحه ریاضتی برای مردم و لایحه یک حکومت ورشکسته است. یک بند جنجالی این لایحه حذف ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی است که گرانی کالاهای فشار اقتصادی بیشتر به مردم تبعات فوری آن است. همین یک قلم به وضوح از در پیش بودن شرایط معیشتی بسیار دشوار تری در سال ۱۴۰۱ برای مردم حکایت میکند. سخن از شش تا هفت برابر شدن قیمت ها و وارد شدن شوک تورمی

ادامه از صفحه ۵

و گفت: "رفع مشکلات یاد شده به این زودی واقع بینانه نیست."

یک امید حکومتیان به برجام است. اما وضعیت اقتصاد حکومت عمیق تر و بدتر از آنست که با برجام یا بدون برجام گشایشی در آن ایجاد شود.

تا اینجا فقط از جنبه اقتصادی و مالی و معیشتی صحبت کردیم. اما از نظر اجتماعی و سیاسی نیز مردم بشدت زیر فشار و ناراضی هستند و در تلاشند که محدودیتها و زندان و اعدامهای جمهوری اسلامی را کنار بزنند.

انترناسیونال: شما در گفته هایتان از اعتراضات گسترده مردمی در سطح جامعه و نگاه متفاوت به سال ۱۴۰۱ اشاره کردید. فضای اعتراضات در سال گذشته چگونه بود و چشم انداز جامعه را از این نظر یعنی از نظر جنبشها و اعتراضات و اعتصابات در این سال چگونه می بینید؟

شهلا دانشفر: به باور من سال ۱۴۰۰ یکی از پر تحرک ترین سالهای اعتراضی کارگری و بخش های مختلف جامعه بود و سال جاری شاهد طوفان مبارزات خواهیم بود. در سال گذشته ما شاهد جلو آمدن قدرتمند تر جنبش دادخواهی بودیم. خانواده هایی که در مضحکه انتخابات رییس جمهوری جلال ریسی آمدند و اعلام کردند که رای آنها سرنگونی است. آنها از مبارزات کارگران نفت و معلمان معترض و بازنشستگان و خیزش های مردمی در خوزستان و اصفهان اعلام حمایت و پشتیبانی کردند. انزجار خود را از قتل فجیع مونا حیدری این قربانی کودک همسری اعلام داشته و کل نظام را مسبب این جنایت اعلام کردند. در دادگاه مردمی آبان و محاکمه حمید نوری این مهره جنایتکار رژیم در استکھلم شجاعانه شهادت دادند و بر محاکمه جنایتکاران حکومت تاکید کردند و در روز جهانی زن نیز با پیام

و اعتصابات سراسری و تجمعات سراسری شکل بسیار واقعی و عملی ای بخود گرفته است و به این لحاظ امروز جامعه گامی به جلو برداشته است. بنابراین اولین استنتاج از این شرایط اینست که خواستهای مشترک سراسری امروز به حلقه اتصال مبارزات بخش های مختلف کارگری و جنبش های اعتراضی مختلف در سطح سراسری تبدیل شده است و هم اکنون در فاز پیوند خوردن این اعتراضات به یکدیگر و کشیده شدن اوضاع بسوی اعتصابات عمومی و قیام های قدرتمند مردمی در سطح سراسری قرار داریم. و باید تاکیداتمان را بر این پیشروی ها و حرکت به این سو بگذاریم.

توانست جنبش شوراها این آلترناتو سازماندهی مبارزاتی مردمی را با موفقیت هایش گامی بزرگ به جلو برد.

بازنشستگان بخش رزمنده دیگر جامعه هستند. تجمعاتی که در هفته های اخیر از سوی سی و یک نهاد و گروه بازنشستگان فراخوانش داده شد و آنها بر تداوم قدرتمند تر یکشنبه های اعتراض تاکید کردند و اکنون بخش های مختلف آنها در دفاع از زندگی و معیشت خود در میدانند و یک موضوع اعتراض همه و در واقع کارگران و کل جامعه اعتراض به بودجه ریاضتی حکومت این تعرض عربان به معیشت همگان است.

از سوی دیگر ما خیزش کشاورزان و مردم اصفهان علیه چپاول محیط زیست توسط سرمایه داری مافیایی حاکم و خیزش مردمی در خوزستان در تیرمه ۱۴۰۰ علیه بی آبی را داشتیم که با شعار مرگ بر دیکتاتور به خیابان آمدند و خواستههایشان را طلب کردند و این مردم همچنان مطالبه گرند.

در عین حال قتل بکتاش آبتین این شاعر آزاده بدست جانین اسلامی اگر چه شوکی برای جامعه بود اما جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی

را با قدرت بیشتری به جلو پرتاب کرد و امروز ما با یک جنبش قوی برای گشودن در زندانها و علیه اعدام و سرکوبگری های حکومت روبرویم.

در بستر چنین ابعاد گسترده ای از اعتراض و مبارزه بود که در روزهای پایانی سال ۱۴۰۰ بخش های مختلف کارگری و همه بخش های معترض جامعه با بیانیه های کیفرخواستی خود و با اولتیماتوم دادن هایشان بر تداوم قدرتمند مبارزاتشان در سال ۱۴۰۱ عهد و پیمان بستند.

و نیز در چنین فضایی از اعتراض و مبارزه است که جشن های نوروزی و چهارشنبه سوری به روزهای شکستن سنتهای حکومت و اعتراض مردمی تبدیل شد. روزهای متفاوت از هر سال که نه صرفا به شکل قرق کوچه ها و پس کوچه ها و جنگ و گریز با نیروهای سرکوب، بلکه بصورت جشن و پایکوبی از سوی جمع های بزرگ مردمی در شهرهای مختلف برگزار شد. این جشن ها انعکاسی از تجدید عهد کردنیهای مردمی برای پیگیری خواستههایشان بود. مردم در این مناسبت ها در کف خیابانها بطور واقعی "جشن قدرت" خود را در عقب زدن قوانین ارتجاع اسلامی

و بساط آپارتاید جنسی حاکم برپا کردند و ما شاهد رقص زیبای دختران بی حجاب و پایکوبی زن و مرد در کنار هم در این مناسبت ها بودیم. به عبارتی روشنتر تر این جشن پیروزی مردم بر نیروهای سرکوب حکومت، بر گله های آخوند و دایناسورهای ماقبل تاریخ حوزه علمیه قم و فتوای کپک زده شان بود. به این ترتیب نوروز و چهارشنبه سوری امسال به هشت مارس، روز جهانی زن پیوند خورد. هشت مارس که با شکوه و قدرتمند به عنوان نقطه اتحاد جنبش های اجتماعی مختلف درکنار مدافعین حقوق زن با فریاد آزادی، برابری نه به آپارتاید جنسی، در تاریخ جنبش نوین زن درخشید و به هشت مارس کارگران، معلمان، مادران دادخواه و بخش های مختلف جامعه و همه زنان و مردان آزادیخواه تبدیل شد.

خلاصه کلام اینکه جامعه ایران با جنبش های قدرتمند اجتماعی اش هر روز سازمانیافته تر و با خواستههای روشنتر دارد به جلو گام برمیدارد. بنابراین علاوه بر جنبش کارگری، جنبش دادخواهی، جنبش نوین زن که شاهد درخشش آن در هشت مارس امسال بودیم. جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی و علیه اعدام و سرکوبگری

ادامه از صفحه ۶

های حکومت، جنبش در دفاع از حقوق کودک، جنبش علیه تخریب محیط زیست، جنبش خلاصی فرهنگی، جنبش رنگین کمانی ها، همه و همه امروز از جمله جنبش های قدرتمندی در سطح جامعه هستند که نابودی کل بساط سرمایه داری وحشی همه آنها را به هم پیوند میدهند. و این پیوند یک پیشروی بزرگ جنبش سرنگونی است که هر روز بیشتر خود را در بیابانهای مشترک، در بیان واحد خواستها و مطالبات و در حمایت ها و همبستگی ها و نیز در روزهایی چون هشت مارس، روز جهانی زن نمایان میسازد. و در اینجا اولین نکته مهم اینست که جنبش کارگری با قدرتی خیره کننده پیشاپیش همه این جنبش ها و کل جامعه در حرکت است و با عروج خود گفتمانهای چپ و رادیکال را به جلوی صحنه سیاست کشیده و دارد سیر تحولات آتی را رقم میزند.

با تکیه به همه پیشروی هاست که امروز در آغاز سال ۱۴۰۱ بر پیوند و اتحاد مبارزاتی بخش های مختلف کارگری و کل جامعه تاکید میکنیم. و به باور من روز جهانی کارگر، اول ماه مه که چیزی به آن باقی نمانده است، میتواند روز تجلی اتحاد مبارزاتی بخش های مختلف جامعه علیه کل بساط توحش و بربریت جمهوری اسلامی باشد. به باور من سال جاری آستان اتفاقات تحولساز است و سالی است که انقلابی انسانی با خواستهایی انسانی را در چشم انداز نزدیک جامعه قرار داده است.

انترناسیونال: اما سوالی که پیش می آید اینست که بیش از یک دهه است که جامعه چنین در تب و تاب است. شما تفاوت ها را در چه می بینید؟ و چه استنتاجاتی از این شرایط میشود داشت؟

شهلا دانشفر: واقعیت اینست که امروز جنبش سرنگونی در موقعیت بسیار متفاوت و جلوتری نسبت به یکسال

یا حتی شش ماه قبل قرار گرفته است. اولین تفاوت اینست که امروز اعتراضات مردمی از سطح طغیانهای موردی مردمی فراتر رفته و به اعتراضات وسیع و گسترده هر روزه مردمی در کف خیابان، با خواستهایی روشن و شفاف و سازمانیافته و قدرتمند و در ابعاد سراسری تری تبدیل شده است.

ما همواره بر رفتن جامعه بسوی اعتصابات و تجمعات سراسری تاکید کرده ایم و امروز وقتی به اعتراضات جاری در سطح جامعه نگاه میکنیم بدرجه زیادی این امر تحقق یافته است. در سوال قبل بطور مبسوط به این اعتراضات اشاره کردم. اخیر ترین آنها اعتصابات و تجمعات سراسری معلمان بود که حقیقتا حماسه آفریدند.

همه اینها بیانگر این واقعیت است که اعتصابات سراسری و تجمعات سراسری شکل بسیار واقعی و عملی ای بخود گرفته است و به این لحاظ امروز جامعه گامی به جلو برداشته است. بنابراین اولین استنتاج از این شرایط اینست که خواستههای مشترک سراسری امروز به حلقه اتصال مبارزات بخش های مختلف کارگری و جنبش های اعتراضی مختلف در سطح سراسری تبدیل شده است و هم اکنون در فاز پیوند خوردن این اعتراضات به یکدیگر و کشیده شدن اوضاع بسوی اعتصابات عمومی و قیام مردمی قرار داریم. و باید تاکیداتمان را بر این پیشروی ها و حرکت به این سو بگذاریم.

مشاهده دیگر اینست که امروز اعتراضات کارگری و اعتراضات بخش های مختلف معترض جامعه از سطح مطالبات صرف معیشتی فراتر رفته است و مردم در مبارزات هر روزه شان دارند کل بساط توحش و بربریت حاکم را به چالش میکشد. بنابراین یک تفاوت آشکار امروز در بیان صریح و عریانتر اعتراض در کف خیابان و رودرویی آشکارتر با کل حاکمیت

است. قد علم کردن مادران و خانواده های جانباختگان با شهادت جسورانه خود در دادگاه بین المللی آبان و اعلام اینکه رای آنها سرنگونی است در مقطع مضحکه انتخابات ریاست جمهوری، اعلام کیفرخواست بخش های مختلف جامعه علیه کشتار کرونا و نشانه رفتن بسوی خامنه ای جلد بعنوان عامل اصلی این جنایات، تبدیل بیدادگاه های حکومت به صحنه اعتراض خود از سوی معلمان در هنگام محاکمه همکارانشان، بلند شدن اعتراض کل جامعه بعد از قتل فجیع مونا حیدری و معرفی نظام به عنوان مسبب چنین جنایاتی مثالهایی بارز از این وضعیت جدید و این پیشرویها است.

جنبه مهم دیگر جلو آمدن صف عظیمی از رهبران و اکتیویست های چپ و رادیکال اجتماعی در جنبش کارگری و در بخش های مختلف کارگری و ل جامعه است. همه این اتفاقات نشانگر نقطه عطف مهمی در جنبش سرنگونی است.

در متن چنین شرایطی است که حکومتیان بشدت به هراس افتاده و تکرار آسانی دیگر آنها در ابعاد گسترده تر به یک کابوس دائمی آنها تبدیل شده است.

انترناسیونال: یک ابزار مهم برای عقب راندن اعتراضات جامعه زندان و سرکوب است. از جمله امروز با دستگیریها و تشدید سرکوب مبارزات قدرتمند معلمان و اکتیویست های جامعه روبرویم. پاسخ جامعه به این سرکوب ها چیست و راه مقابله کدامست؟

شهلا دانشفر: ببینید! مردم دیگر جانشان به لب رسیده است و در اعتراضات هر روزه شان دارند فریاد میزنند که دیگر ترسی ندارند و معیشت، منزلت و داشتن زندگی ای انسانی را حق مسلم خود میدانند. شما مثال معلمان را زدید. ولی همین معلمان یک سنگر مهم مقابله با

سرکوبگری های حکومتند و این دستگیریها خللی در مبارزات و اعتصاباتشان ایجاد نکرده است. معلمان یکی از پایه های مهم کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات و جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی هستند. همین امروز نیز در برابر سرکوبگری های حکومت قاطعانه اعلام کرده و میگویند این سرکوبگری ها ذره ای در عزم آنها برای پیگیری مطالباتشان تاثیر نخواهد داشت. از جمله تبدیل صحنه بیدادگاههای حکومت در اعتراض به محاکمه همکارانشان، یک شکل قدرتمند رویارویی با سرکوبگران حکومت است. مثال دیگر قتل خاموش بکتاش آبتین و به لرزه در آمدن زندانها و جلو آمدن قدرتمند جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی در سطح جامعه بود. که یک سر آن در زندانها و در سطح جامعه و در میان خانواده های زندانیان سیاسی بود و سر دیگرش حمایت های بین المللی مدافعین زندانیان سیاسی در اروپا و اقصا نقاط جهان است. به همین اعتراضاتی که از سوی مردم معترض در کف خیابان اتفاق می افتد نگاه کنید. می بینید که تجمع کنندگان معترض چگونه جانانه مقابل سرکوبگران حکومت و دستگیر کردن ها می ایستند. یک نمونه اش در تجمع بازنشستگان مخبرات در همین روزهای اخیر در مشهد بود در حالیکه فرمانده نیروی انتظامی به مردم هشدار میداد و تجمع آنها را غیر قانونی میخواند مردم در محل مانده و آنها را هو میکردند. یا در جریان خیزش کشاورزان دیدیم که چگونه مردم و جوانان شهر با سرکوبگران حکومتی درگیر شدند.

نمونه های دیگرش را در مبارزات جانانه کارکن نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز است. در این مبارزات کارگران کاری کردند که همکاران زندانی خود را آزاد کردند. کاری کردند که پرونده های تشکیل شده برای آنها لغو شد و کارگران تبرئه شدند و الان هم یک

خواست فوری کارگران نیشکر هفت تپه مخومه اعلام شدن پرونده فرزانه زیلابی و کیل آنها و آزادی فوری و بدون قیدو شرط سپیده قلیان از حامیان نیشکر هفت تپه و صدای آزادی و انسانیت در زندان است.

در این سرکوب کردن ها یک تلاش حکومت سرکوب سایبری بود. اما سخن گفتن از این موضوع در دنیای امروز پوچ است. ادامه اعتراضات کف خیابانی مردم را امروز ما در کلاب هاس ها و گروههای تلگرامی هزاران نفره و اینستا و تویتر می بینیم. در این بستر است که مردم در تماس و ارتباط دائم قرار دارند. بر سر خواستها و مبارزاتشان هم نظری و اجماع میکنند. فراخوانهای اعتراضی خود را میدهند و تشکلهای سراسری میدهند. حاکمیت با شکل میدهند. حکومت با طرح مسخره "میانت" که طرح فیلتر گذاشتن بر اینترنت و امنیتی کردن آن بود جلو آمد و زیر فشار اعتراض جامعه تاب نیارود و ناگزیر شدند اعلام کنند که اجرای این طرح موقتا متوقف میشود!

۲۴ مارس ۲۰۲۲

نوروز ۱۴۰۱: دهن کجی جامعه به حکومت اسلام



عبدل گلپریان

مردم در سراسر کشور امسال نوروز را بسیار باشکوه برگزار کردند. قبل از آن چهارشنبه سوری و هشت مارس را جشن گرفتند. به جرات می توان گفت که مراسمهای هشت مارس، چهارشنبه سوری و نوروز امسال تا حد زیادی نه تنها متفاوت بودند بلکه جلوه ای از قدرت نمایی بی نظیر مردم بودند.

در هر سه مناسبت که تنها در فاصله دو هفته از هم برگزار شدند، هم از نظر تعداد شرکت کننده و هم گستردگی و هم محتوای برنامه ها چشمگیر و متفاوت بودند. حضور گسترده هزاران نفره مردم اصفهان، شیراز، تهران، کرمانشاه، اشنویه، سنندج، اراک، و دیگر شهرهای سراسر کشور آغاز سال نو پر قدرتی را به کاربدستان و جیره خواران ضد شادی و به تمامی نهادهای حکومتی تحمیل کرد.

در کردستان به ویژه نوروز بسیار پر جنب و جوش بود. در اکثر قریب به اتفاق شهرها و روستاهای کردستان مردم جشن و شادی برپا کردند. در دهها مراسم بزرگ و کوچک صدها و هزاران نفره در سنندج، کرمانشاه، جوانرود و پالنگان، سردشت، پیرانشهر و اشنویه زن و مرد و پسر و دختر به شادی، رقص و پایکوبی پرداختند و فرارسیدن سال نو و بهار را جشن گرفتند. در شب چهارشنبه سوری نیز شیشه عمر حکومت، حجاب دور انداخته شد و جوانان دختر و پسر دست در دست هم رقصیدند، آواز خواندند و کل حکومت را در ماتم عزا فرو

بردند. تمام زور خود را بکار بردند که مردم را متفرق کنند و مانع از برگزاری نوروز و شادی مردم شوند. اما قدرت نمایی شرکت کنندگان کاری کرد که یگان ویژه حکومت را متفرق کرد و با شکست و سرافکندگی از محل دور شوند.

نوروز و چهارشنبه سوری برای مردم هم ابراز شادی، نشاط، رقص و پایکوبی بود و همزمان ابراز تنفر از ساختار حکومتی بود که با قوانین ضد زن و ضد انسانی اش، شادی، رفاه و منزلت را از شهروندان سلب کرده است. مردم در نوروز یک بار دیگر اعلام کردند و نشان دادند که همه شادی را می خواهند. نشان دادند که به معنای واقعی کلمه در تلاش هستند رفاه، امنیت، کرامت انسانی، سعادت و خوشبختی را بدست بیاورند.

اما نوروز تنها به اجرای موسیقی، رقص، آتش بازی و ابراز شادی خلاصه نشد بلکه در موارد زیادی بیانیه هایی از سوی شرکت کنندگان به عنوان مطالباتی که روزانه که برای آن می جنگند، در جمعها و مراسمها قرائت شدند. مزدوران رژیم در پیرانشهر، اشنویه و سردشت

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: رضا مرادی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpIran

اینستگرام: www.instagram.com/wpi91

تلگرام: telegram.me/wpi_hkki

وبسایت: www.wpIran.org

۲۳ مارس ۲۰۲۲

گرانی و تورم بیشتری در راه است

سالی که در پیش است از یک طرف سال گرانی های هرچه بیشتر کالاهای اساسی مورد نیاز مردم، افزایش تورم افسار گسیخته، از طرف دیگر سال درآمدهای هنگفت دهها هزار میلیاردی از قبل گرانی ها برای حکومت دزدان و قاچاقچیان است. تامین مسکن و سوخت و آب بیش از ۸۰ درصد دستمزدهای کارگران و حقوق بگیران را می بلعد. سفره کارگران بسیار کوچکتر از سال قبل خواهد شد. سبد غذایی مردم تغییرات اساسی پیدا خواهد کرد. برنج در حال حذف شدن از سبد غذایی است. گوشت که مدتهاست حذف شده. روغن، کره، شکر و میوه افزایش قیمتهایی بالای ۵۰ درصدی دارند. در کنار آن افزایش دستمزدها ۵۷ درصدی وعده داده شده از طرف حکومت، تغییری در اساس در بهبود زندگی و معیشت کارگران و مردم بوجود نخواهد آورد.



محمد شکوهی

اواخر اسفند سال ۱۴۰۰ مجلس حکومت بند هایی از بودجه سال آینده را که به "بخش درآمد زایی برای دولت" نام دارد و بخش های مختلف کالاها و خدمات را شامل میشود، تصویب کرد. این مصوبات از اول فروردین ۱۴۰۱ اجرایی خواهند شد. افزایش قیمت آب، برق، گاز و بنزین از جمله موارد مهم این مصوبات می باشند. در کنار این افزایش قیمت انواع سوخت، موضوع بستن بودجه با دلار ۲۳ هزار تومانی، و زمزمه های حذف ارز ترجیحی، ۴۲۰۰ تومانی دولتی نیز هست، که تأثیرات مستقیم بر افزایش گرانی تمام کالاهای اساسی مورد نیاز مردم در سال جاری خواهد داشت.

بالا بردن قیمت انواع سوخت به بهانه های مختلف هر سال در دستور مجلس و دولت قرار میگیرد. حکومت در توجیه این افزایش قیمتها، مصرف بی رویه، نداشتن الگوی مصرف انرژی، پائین بودن قیمت این انواع سوخت در مقایسه با قیمتهای منطقه ای و اخیراً موضوع جنگ در اوکراین را نیز به آن اضافه کرده است. سیاستی که هزینه های سنگینی بر بودجه و هزینه خانوارها تحمیل می کند.

اما برگردیم به مصوبات بودجه ای مجلس بخش مربوط به "درآمد زایی برای دولت" و افزایش قیمت آب، برق، گاز و بنزین.

الگوی مصرف برق ۲۰۰ تا ۳۰۰ کیلووات ساعت در ماه تعیین شده است. مشترکانی

که تا ۵۰۱ برابر الگوی تعیین شده، مصرف کنند، مشمول ۵۰ درصد افزایش تعرفه

نسبت به سال ۱۴۰۰ می شوند. مشترکانی که تا ۲ برابر، ۳ برابر، ۴ برابر و بالاتر از ۴ برابر الگو به مصرف برق بپردازند، به ترتیب با ۷۵ درصد، ۱۰۰ درصد، ۲۰۰ درصد و ۴۰۰ درصد افزایش تعرفه مواجه خواهند شد. همچنین مجموع میزان عوارض برق در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۴۰۰ حداقل رشد ۱۵ درصدی خواهد داشت.

در مورد قیمت جدید گاز دولت می گوید الگو همان تعرفه های پله بندی ۱۲ موردی اواسط سال گذشته خواهد بود. از پله چهارم به بعد، تعرفه هر پله ۴۰ درصد نسبت به تعرفه پله قبلی افزایش و در چهار پله آخر، میزان تعرفه ها بین ۲ تا ۴ برابر افزایش یافته است. علاوه بر افزایش قیمت گاز و برق عوارض دیگری نیز برای

مشترکان گاز و برق، ماهانه بین ۲۰۰ تا ۱۰۰۰ تومان اخذ خواهد شد

قیمت آب مصرفی خانوارها به ازای هر مترمکعب فروش بیش از استانداردهای از پیش تعیین شده، ۱۵ درصد افزایش می یابد. * قیمت بنزین سهمیه ای یک هزار و ۵۰۰ تومان و بنزین آزاد نیز ۳ هزار تومان خواهد بود.

اینها موارد مهمی از گرانی قیمت انواع سوخت و مواد اساسی در سال جدید است. افزایش بهای انواع سوخت، در کنار افزایش قیمت کالاهای اساسی مورد نیاز مردم، افزایش کرایه خانه و مسکن و... مجموعه ای از سیاستهای حکومت برای شکستن باز هم بیشتر بار اقتصاد ورشکسته اش بر دوش مردم است. سیاست کثیفی که خامنه ای در پیام نوروزی اش نیز تأیید کرد و با وقاحت و بی شرمی

تمام گفت: "رفع گرانی و تورم به این زودی واقع بینانه نیست!"

سالی که در پیش است از یک طرف سال گرانی های هرچه بیشتر کالاهای اساسی مورد نیاز مردم، افزایش تورم افسار گسیخته، از طرف دیگر سال درآمدهای هنگفت دهها هزار میلیاردی از قبل گرانی ها برای حکومت دزدان و قاچاقچیان است. تامین مسکن و سوخت و آب بیش از ۸۰ درصد دستمزدهای کارگران و حقوق بگیران را می بلعد. سفره کارگران بسیار کوچکتر از سال قبل خواهد شد. سبد غذایی مردم تغییرات اساسی پیدا خواهد کرد. برنج در حال حذف شدن از سبد غذایی است. گوشت که مدتهاست حذف شده. روغن، کره، شکر و میوه افزایش قیمتهایی بالای ۵۰ درصدی دارند. در کنار آن افزایش دستمزدها ۵۷ درصدی وعده

داده شده از طرف حکومت، تغییری در اساس در بهبود زندگی و معیشت کارگران و مردم بوجود نخواهد آورد.

کارگران و حقوق بگیران برای مقابله با این وضعیت چاره ای جز گسترش اعتراضات سراسری و سازمان یافته بر علیه این سیاستهای ریاضت کشی اقتصادی اسلامی ندارند. سالی که آغاز شده می تواند سال جدالهایی مهم و بزرگ مردم علیه این وضعیت تحمیل شده از طرف حکومت به مردم باشد. جرقه های این اعتراضات سال قبل زده شده. تنها نیروی متحد و با خواسته های روشن و مطالبات فراگیر همه مردم قادر خواهد بود این سیاستهای کثیف حکومت را به عقب بزنند. از همین امروز باید برای این جدالها آماده شد.

جشن های نوروزی و رقص زنان؛ تهدیدی برای حاکمیت اسلامی

ها نیروهای سرکوبگر دست اندرکاران جشن ها بازداشت کرده اند. اما این دستور العمل ها و سیاستهای کثیف سرکوب از پیش شکست خورده و تبدیل به نقطه ی ضعف حکومت شده که عاجزانه حتی پرچم خود را مجبور است با بخش نامه به مردم تحمیل کند. شکاف عظیم بین مردم و جمهوری اسلامی نه تنها هرگز پُر شدنی نیست بلکه حتی با هر مناسبتی عمیق تر میشود و در نهایت بنیان این حکومت ضد مردم و مردم هراس را نابود خواهد کرد. انقلاب زنانه معتقد است مردم ایران به ویژه زنان و بدون حجاب و جوانان، از نوروز هم یک پرچم اعتراض به جمهوری اسلامی ساخته اند.

زنده باد مردم ایران

زنده باید زنان ایران

انقلاب زنانه

دست دادند هرگز خود را عزادار معرفی نکرده و خود را دادخواه معرفی میکنند اما نوروز را به مردم ایران تبریک می گویند. همین سبب شده حکومت بیش از پیش از عطش مردم ایران از استقبال بهار و از سر گذراندن زمستان وحشت کند.

مسئله ی رقص شادی و پایکوبی تهدیدی برای جمهوری اسلامی است چرا که هر لحظه میتواند به اعتراضات سراسری تبدیل شود. بالاخص جایی که زنان حضور دارند برای حکومت امنیتی تر شده و با نظامی گری به مردم حمله می کند و مردم را به خاطر شادی مورد ضرب و شتم قرار داده و دست به سرکوب سیستماتیک شادی میزند.

وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی امسال به مساله جشن های نوروزی ورود کرده و دستور و بخش نامه صادر کرده تا پرچم جمهوری اسلامی در جشن ها بالا برده شود. در همین جشن

حکومت اسلامی که مروج و مبلغ فرهنگ عزا و انتظار مرگ و عاشورا و نا امیددی است، راه سرکوب مردم را از مسیر پاشیدن یاس و نا امیددی به زندگی مردم گزیده است. از طرف دیگر می داند که در سیاست ترویج عزا موفق نبوده و مردم از هر فرصتی استفاده می کنند تا نشان دهند به چه میزان از حکومت دور هستند؛ همانطور که در مراسم چهارشنبه سوری نشان دادند که از تمام خط قرمزهای دینی، مذهبی، سنتی و ارتجاعی گذر کردند و با چهره ای مدرن در این مراسم شرکت کردند.

سیاست ممنوعیت رقص و شادی، تفکیک جنسیتی و تبعیض جنسی و کشتیدن دیوار قانونی بین زن و مرد بطور مداوم توسط مردم در مناسبت های مختلف شکسته میشود و مردم به ویژه زنان، بی اعتنا به حکومت اسلامی، این سیاست ها را پس میزنند. حتی خانواده های دادخواه که فرزندان خود را از

بایدن، پوتین، و "جنایتکاران جنگی"

پوتین آشکارا جنایتکار جنگی است. اما بایدن بهتر بود به این بحث دامن نمیزد.

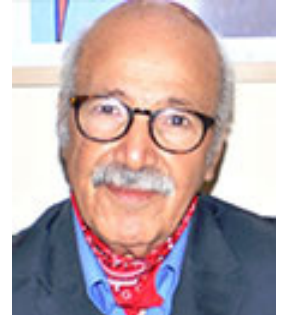
(منتشر شده در نشریه ژورنال شماره ۶۵)

قهرمان یک کشور، جنایتکار کشوری دیگر

سفیر روسیه در تهران روز (۲۴ اسفند) در برابر بنای یادبود گریبایدوف در تهران دسته گل گذاشت و از او تجلیل کرد و عکس این مراسم را منتشر نمود. این اقدام با اعتراض عده ای در ایران مواجه شد. او در پاسخ گفته است "گریبایدوف برای شما دشمن است، برای ما شاعر و دیپلماتی بزرگ". داستان اینست که در ایران گریبایدوف را مبتکر عهدنامه خفت بار ترکمن جای میشناسند که بخشهای وسیعی از خاک ایران را به روسیه منضم نمود. اما در روسیه او را به عنوان یک شاعر و قهرمان میشناسند. نکته قابل توجه دقیقا اینست که قهرمانان یک کشور، جنایتکاران کشوری دیگر هستند. چنگیز خان، اسکندر مقدونی و عمر بن خطاب و امثالهم در ایران مورد نفرت هستند. اما در کشورهای خود توسط میلیونها نفر ستایش میشوند. از سوی دیگر نادرشاه و داریوش و کوروش در ایران مورد ستایش ناسیونالیستها هستند و در هندوستان و افغانستان و برخی کشورهای دیگر بعنوان جنایتکارانی منفور شناخته میشوند.

داستان گرامیداشت گریبایدوف هم دقیقا از همین قماش است. ناسیونالیسم دقیقا خاصیتش اینست که چشمها را کور میکند و تفرقه و تعصب را بر عقل و منطق انسانی مسلط میکند. با ناسیونالیسم خوبی ها و بدی ها از دریچه تعصب ملی ارزیابی میشوند و نه از روزه منافع و مصالح انسانی. و همین ریشه و عامل کینه ها و نفرتها و جنگها و جنایات عظیمی در تاریخ است. روزی که بشریت عینک ملی را از چشم کنار بزند تازه چشمش بروی حقایق باز میشود.

(منتشر شده در نشریه ژورنال شماره ۶۱)



کاظم نیکخواه

وزارت خارجه روسیه سفیر آمریکا را احضار کرد و به او اعلام کرد به دلیل اظهار نظر بایدن روابط دو کشور در حال فروپاشی است. بایدن هفته پیش پوتین را به دلیل جنگ و کشتار در اوکراین، "جنایتکار جنگی" خواند.

بایدن در مورد پوتین کاملا حق دارد. پوتین در اوکراین دارد هر روز در حق مردم جنایت میکند. اکنون مردم ماریوپول در محاصره نظامی بدون آب و غذا دارند هر روز بمباران میشوند. معلوم نیست چه تعداد از مردم تلف شده اند.

بیمارستانها و پناهگاهها و مدارس بمباران میشوند. طی همین سه چهار هفته بیش از ده میلیون نفر در سرما و بی امکاناتی، بیخانمان شده اند. ارتش روسیه حتی آوارگان را مورد حمله و کشتار قرار داده است. آنچه شاهدیم بطور واقعی جنایت جنگی علیه مردم یک کشور توسط پوتین و ارتش اوست. اما بایدن شخص صالحی برای قضاوت در مورد جنایتکاران جنگی نیست. جنایات پوتین باعث فراموشی جنایات دولتهای دیگر بویژه آمریکان میشود. مردم حق دارند بپرسند آیا شما خود در دولت اوباما دست به جنایات در کشورهای مختلف نزدیک؟ آیا حداقل بوش پدر و پسر و ریگان را که در عراق و افغانستان و یوگسلاوی جنایتهای بیشماری کردند، جنایتکاران میدانید؟ آیا ترومن از حزب خود را که بمب اتمی بر شهرهای بزرگ ژاپن انداخت و صدها هزار نفر را کشت و میلیونها نفر را به نیستی محکوم کرد، حاضرید جنایتکار جنگی اعلام کنید؟

نمونه ها متاسفانه بسیارند.



نرخ بالای بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاه و ترک تحصیل دانش آموزان، چرا و چه باید کرد؟



علی خیرالدین معاون فناوری و نوآوری وزارت علوم در اظهاراتی از بیکاری ۴۴ درصدی فارغ التحصیلان دانشگاهی از مجموع بیکاران خبر داده و همزمان با اظهارات ایشان روزنامه فرهیختگان از رشد ۳۰ درصدی نرخ ترک تحصیل در مقطع ابتدایی نوشت. اگر در کنار این اخبار نرخ ده درصدی بیسوادی در کشور را که در سال ۹۶ توسط محمد بحطایی وزیر وقت آموزش و پرورش اعلام شد و خبر از یازده میلیون نفر بی سواد در کشور می داد را هم مد نظر بگیریم به تصویری فاجعه بار و وحشتناک می رسیم که جای بسی تأمل، و درنگ برای یافتن چرایی آن دارد.

آنچه در بالا گفته شد تنها تکه ای است از یک پازل، سکانسی از فیلمی که فاجعه ای بزرگ را نمایش می دهد. کشوری با اقتصادی فروپاشیده، غرق در فقر، بی حقوقی و نا امنی اقتصادی برای مردمی که چشم انداز و افقی پیش روی خود نمی بینند و فساد و چپاول حکومتی که با ساختن اقتصادی مافیائی جامعه را به قهقرا کشانده و به سمت نابودی هدایت می کند. بی شک این اوضاع اسفبار اقتصادی باعث بیکاری گسترده و فقر روز افزون در جامعه شده و همین باعث افزایش کودکان کار نیز شده و می شود، کودکانی که به جای درس و تحصیل راهی جز حضور در محل کار یا خیابان برای کسب یک لقمه نان برای کمک به خانواده فقیر زده خود ندارند.

در کنار این امر سطح نازل کیفیت آموزش، کالایی کردن و خصوصی سازی آن که تحصیل و آموزش را ابزاری برای سودجویی مافیای آموزش که جمعی از سرمایه داران وابسته و نزدیک به حاکمیت آن را اداره می کنند، و البته نا امید و افسردگی آگاهانه ای که حکومت در جامعه پراکنده را نیز باید اضافه کرد.

نرخ بالای بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاه و ترک تحصیل دانش آموزان، چرا و چه باید کرد؟



هستند و با بازگشایی دانشگاه ها، امری که بالاخره با همه تعلل ها و ترس های حکومت مجبور به انجام آن است، شاهد ایستادگی و مقاومت دانشجویان بیش از پیش خواهیم بود.

جامعه ای که در حالتی بین مرگ و زندگی قرار دارد و این را آنگونه که می بینیم، درک کرده هیچ راهی جز مقاومت در برابر و سرنگونی جمهوری اسلامی پیش رو ندارد و این امر به همبستگی بیش از پیش همه بخش ها و جنبش های جامعه نیاز دارد، جامعه ای که با مقاومت و با مبارزه اش سد سرکوب را شکسته و هر روز بیشتر از پیش به پیشروی ادامه می دهد.

دانشگاه سسنگر آزادی برابری

۱۹ مارس ۲۰۲۲

جمهوری اسلامی است و مطالبه حق آموزش رایگان، برابر و باکیفیت برای همه دانش آموزان، تامین مستمر هزینه های معیشتی دانش آموزان و دانشجویان و مبارزه برای برخورداری از اشتغال مناسب برای همه جوانان و شهروندان.

کافی است به تعداد شهرهایی که معلمان در آنجا تجمع های اعتراضات گسترده انجام داده اند نگاهی بیندازیم. یا خوب است به حمایتشان از یارانشان که برای محاکمه به دادگاه فراخوانده می شوند و سیلی از معلمان در حمایتشان در مقابل دادگاه به هم می پیوندند را مثال بزیم یا حمایت همه جانبه دانش آموزان از معلمان با حضور در تجمع و اعتراض ها و سخنرانی های آتشین در این تجمع ها. دانشجویان نیز که همیشه در صف اول اعتراضات بوده و

آتش دوباره اعتراضات دانشجویان به سیاست های حکومت در رابطه با خواست آموزش رایگان و... به علاوه نبود رابطه ای بین دانشگاه و بازار کار و نبود سیاستی کارآمد در این رابطه پازل نابودی آموزش و پرورش و دانشگاه که تنها سیاستی است که حکومت اسلامی طی چهار دهه بی وقفه در به انجام رساندنش از هیچ کوششی فروگذار نیست را کامل می کند. لذا سوالی که باید اینجا مطرح شود این است که چه باید کرد؟ و چگونه باید از این وضع خلاصی یافت؟

اما پیش از این معلمان، دانشجویان و دانش آموزان پاسخ این سؤال را با ایستادگی و مقاومت در برابر دشمنان مشترک آنها و تمامی جامعه، جمهوری اسلامی داده اند؛ پاسخ اعتراض همه جانبه علیه بانی این وضع یعنی

همچنین کرونا و سیاست های غیر مسئولانه و خائنانه حکومت اسلامی در گسترش عمده بیماری در جامعه که آن را بهانه ای قرار داد برای خواباندن اعتراضات و عدم گسترش آن، سیاستی که به موازات سرکوب در پی گرفت در برابر جامعه ای که قصد نابودی اش را کرده را نیز نباید از نظر دور کرد. تأثیر این سیاست بر خانواده ها بویژه از نظر اقتصادی و همین طور دانش آموزان و دانشجویان از نظر کیفیت آموزش عوارضی غیر قابل جبران به جای گذاشت، هرگز نباید خودکشی کودکان صرفاً به دلیل نداشتن ابزار آموزش غیر حضوری از قبیل تبلت و گوشی موبایل را از یاد برد.

همه این ها در کنار بلاتکلیفی دانشجویان در بازگشایی یا عدم بازگشایی و تردید حکومت از ترس گر گرفتن

از مدیای اجتماعی حزب

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran اینستگرام: www.instagram.com/wpi91 تلگرام: [telegram.me/wpi_hki](https://t.me/wpi_hki) شماره اپ و تلفن تماس: ۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

“آزادی حق سپیده و حق همه‌ی ماست”



نگهبانان و مسئولان زندان در اتاق بازپرس در ذهنم (است) تا اعتراضش را همان‌جا اعلام کند. بعد از آن هم اجازه داده شد مادر و برادر سپیده بیایند و سپیده را در دادسرا ببینند که توفیق شد من هم آن عزیزان رنج‌کشیده را از نزدیک دیدم!

مدام از آن روز فکر می‌کنم، سپیده قلیان ۲۷ سال سن دارد، عمده سال‌های اخیر را در زندان و بازداشت و زیر فشار بازجویی و آزار خانواده گذرانده است! انسانی مثل سپیده که شجاعانه ایستاده است، دختری که باید از زندگی و آزادی‌اش لذت ببرد صرفاً باید به خاطر اعتراض و سر خم نکردن این همه آزار و زندان ببیند؟ روزهای سختی که سپیده و خانواده‌اش پشت سر گذاشته‌اند قابل جبران‌اند؟ چرا آزادی که حق اوست از او سلب شده‌است؟ تا کی مردم ایران به خاطر اعتراض، مخالفت با حکومت یا هر فعالیت مدنی و سیاسی باید بازداشت شوند و این همه آزار و اذیت و زندان را تحمل کنند؟ حق سپیده، جوانان ایرانی، حق مردم ایران، این همه بازداشت، زندان و... نیست! آزادی و زیست انسانی حق همه‌ی ماست.

برگرفته از تلگرام حسین رونقی
نوروز ۱۴۰۱

حرف زنید و فاصله بگیرید و... من که نای حرف زدن نداشتم لبخندی زدم و آرام گفتم خوبم.

ماموران امنیتی بیرون رفتند، بازپرس، سپیده و من نشستیم. درد خودش را فراموش کرده بود: «چرا حسین رو گرفتید؟ این پسر رو چرا این‌قدر اذیت می‌کنید؟ حسین مثل مهدی (برادر سپیده) است برام. حسین این‌جا (ایران) رو دوست داره، نمی‌ره، وثیقه‌اش کنید و...» حرف می‌زد، می‌گفت و اعتراض می‌کرد، بعد از چند روز، اولین صدای آشنا را می‌شنیدم که بدون ترس و بدون لنگت، همچنان اعتراض می‌کند و هم‌چنان شجاع است.

داستان چه بود؟ سپیده بعد از اعتصاب و بیماری در زندان دچار خونریزی داخلی شده بود، به جز آن، دادیار زندان (یکی از آن سه مفسده که می‌گفت) روز ملاقات خودش و خانواده‌اش را مثل سابق اذیت کرده بود، و کسی به درخواست‌ها برای درمان، نامه‌ها و اعتراض‌هایش پاسخ نداده بود. سپیده از سالن ملاقات اوین به سمت دادسرای اوین (از داخل زندان به دادسرا راه وجود دارد) دویده بود، کلی نگهبان و مسئول زندان هم دنبالش کرده بودند، اما در نهایت سپیده خودش را به دادسرا و اتاق بازپرس رسانده بود. (چهره مات و مبهوت

روز پنجم بازداشت صبح زود به بازپرسی شعبه ۲ دادسرای اوین انتقالم دادند، بی‌حال روی صندلی نشسته بودم و بازپرس حرف می‌زد. با صدای کوبیده شدن در اتاق برگشتم، زنی جوان که روسری از سرش روی گردنش افتاده بود وارد اتاق بازپرس شد، بی‌توجه به حضور دیگری در اتاق، شروع کرد با صدای بلند و خشمگین اعتراض کردن، تندتند حرف می‌زد: «چرا اذیتمون می‌کنن؟ مگه ما چی کار کردیم؟ این سه عنصر مفسده (... روزگار ما رو سیاه کردن! چرا این‌قدر اذیت می‌کنید؟ پدر و مادر من این همه راه از خوزستان می‌آن این‌جا، این‌جا جوابشون رو نمی‌دن، برادرم مهدی رو به زندان محکوم کردن اونم بعد از اون همه کتک و شکنجه» با خشم و صدای رسا اعتراض می‌کرد. (من از صدایش شناختمش، اما او نمی‌دانست من پشت سرش نشسته‌ام) در دل خودم می‌گفتم آفرین که مثل همیشه می‌جنگی و سرخم نمی‌کنی، آفرین که از اعتراض و گرفتن حقت ابایی نداری!

بازپرس مدام تکرار می‌کرد و می‌گفت: «آرام باش، بنشین» سپیده برگشت که روی صندلی بنشیند، مرا دید و خشکش زد. با تعجب رو به من گفت: «||| تو اینجا چی کار می‌کنی؟ خوبی؟» آمد سمت من که بغلم کند، ماموران امنیتی آمدند و شروع کردند گفتن این‌که

معلمی بنام فتحی که اختلاس امام جمعه پاسارگاد را رسانه‌ای کرد به ۱۲ سال زندان محکوم شد



ایشان به جرم تشویش اذهان عمومی و توهین به امام جمعه به ۱۲ سال زندان محکوم شد (برگرفته از کانال اتحادیه آزاد کارگران)

امام جمعه پاسارگاد ۶۰۰ عدد کارت هدیه ۵۰۰ هزار تا ۱ میلیون تومانی جهت کمک به نیازمندان از ستاد نماز جمعه فارس گرفته بود که اسامی مردگان و جعلی در لیست اهدایی توسط این معلم برملا شد.

ادامه از مدیای اجتماعی حزب از صفحه ۱۲

یک شاخه گل بجای فاتحه خوانی



دایه شریفه مادر رامین حسین پناهی به مناسبت نوروز به مردم سنندج گل سرخ اهدا کرد و حاضرین با دست زدن او را تشویق کردند. پسرش رامین در ۱۷ شهریور ۱۳۹۷ در زندان رجایی شهر اعدام شد.

تعدادی از مادران آبان نیز در تهران به عابرین گلستان‌های گل و به جامعه، یک سنت مدرن بجای فاتحه خوانی و سنت‌های گندیده اسلامی اهدا کردند.

با دور شدن جامعه از مذهب و اخلاقیات و فرهنگ عقب مانده اسلامی، جنبش‌های حق طلبانه نیز رنگ و بوی متفاوتی گرفته‌اند. زنان در صف اول اعتراضات و سخنرانی‌ها قرار گرفته‌اند، زن و مرد به مناسبت‌های مختلف رقص جمعی و آواز خوانی جمعی میکنند، بر سر قبر جانباختگان بجای قرآن خوانی توسط آخوندها، سخنرانی میکنند و سرود پخش میکنند، در هشت مارس، روز جهانی

زن، در ابعاد وسیعتری شرکت میکنند، از حقوق کودک دفاع میکنند، ازدواج سفید میکنند، همجنسگرایان جلوتر می‌آیند، از حقوق حیوانات دفاع میکنند، مساجد را خالی میکنند و علنی‌تر و بی‌پروا تر علیه اسلام و مقدسات اسلامی

حرف می‌زنند، از هر فرصتی برای شادی استفاده میکنند، با زیر پا له کردن عمامه و انتشار هشتک‌های ضد اسلامی نفرت و بی‌زاری خود را از هر چه رنگ و بوی اسلام و حکومت پوسیده اسلامی دارد اعلام میکنند و هر روز بیش از پیش لجنزار اسلامی

را خشک میکنند.

این سنت‌ها را هر چه بیشتر رواج دهیم، هر اقدام و ابتکار مدرن و انسانی را به الگویی عمومی تبدیل کنیم و با اهدای شاخه گلی به خانواده‌های دادخواه، از آنها و سنت و ابتکار رزمنده و

مدرنشان تجلیل بعمل آوریم.

اصغر کریمی

(مندرج در ژورنال شماره ۶۵)

ژورنال

جنگال بر سر ترانه "خلیج فارس"



مصاحبه ابی خواننده پاپ فارسی با ایندیندت در باره اجرا نکردن ترانه "خلیج فارس" در کنسرت‌های دویی جنگالی شد. ابی می‌گوید "خواننده است و سیاسی نیست".

برای مردم ایران که همه چیز در آن کشور سیاسی است، قابل درک است که چنین اظهاراتی پذیرفتنی نباشد. قابل فهم است که این توجیحات ابی با توجه به اینکه او در کمپین "نه به جمهوری اسلامی" مشارکت داشته است قابل قبول نباشد و با واکنش روبرو شود.

در خدمت جمهوری اسلامی است. از اینرو ناسیونالیست‌ها؛ سلطنت طلبها و رسانه‌های حکومتی نظیر تسنیم در این جنگال همسو شدند.

برخلاف تنفر پراکنی ناسیونالیستی، آنچه قدوسیت دارد، انسان، حرمت و

اند، اما حماقت ناسیونالیستی همچنان پایدار مانده است.

ترانه "خلیج همیشه فارس" غرق تعصبات ناسیونالیستی است. برای آیندگان هم تصمیم گرفته است که نامی همیشگی باشد. در آینده چه بسا مردم ایران و همسایگان

حق و حقوق اوست. برای ناسیونالیسم علقه‌های کاذب از جمله نام "خلیج فارس" مهمتر از حرمت انسان و زندگی مسالمت آمیز با همسایگان است. نام‌های جغرافیایی، اسامی کشورها و حتی طول و عرضشان طی تاریخ دستخوش تغییرات شده

ایران، تحت شرایطی بخواهند نام دیگری برای این خلیج انتخاب کرده و از این تعصبات گذر کنند.

(مندرج در ژورنال شماره ۶۷)

اطلاعیه های حزب

خطاب به مردم جهان: با خواست قطع فوری جنگ از مردم اوکراین حمایت کنید!

تهاجم نظامی دولت روسیه به اوکراین به یک فاجعه انسانی هولناک برای مردم اوکراین تبدیل شده است. خانه و کاشانه مردم و حتی بیمارستان ها مورد هدف قرار می گیرند، مردم بی دفاع بیرحمانه کشتار می شوند، چند میلیون نفر آواره شده اند و زندگی مردم از هم پاشیده شده است. نظامی به اوکراین رنج و درد وصف ناپذیری را به مردم این کشور تحمیل کرده است. این جنگ چه به دلیل زمینه های بروز آن و اهدافی که در آن دنبال می شود و چه به دلیل فجایع انسانی ناشی از آن قویا محکوم است و باید بی درنگ متوقف شود. هر ساعت ادامه جنگ به معنای کشتار و خانه خرابی و آوارگی بیشتر مردم اوکراین است. حمایت از مردم اوکراین و مقاومت آنها در برابر ارتش اشغالگر روسیه، با بلند کردن این خواستها جنایت و توحشی که یک درصدی های دنیا برای مردم بوجود آورده اند وارد عمل شوند:

آتش بس فوری و قطع بیدرنگ جنگ**خروج نیروهای روسیه از اوکراین****برسمیت شناختن حق حاکمیت مردم اوکراین****حمایت از از اعتراضات ضد جنگ در روسیه****نه به میلیتاریسم و فضای نظامی گری****انحلال پیمان نظامی ناتو****خلع سلاح هسته ای**

جنبش ضد جنگ باید با صدای بلند اعلام کند که قطع این جنگ و جنایت بر هر نوع مصلحت و هدف و مانور و تانگوی سیاسی بین دولتها پیشی می گیرد. ما اطمینان داریم که با حضور میلیونی مردم دنیا در میدان عمل و با طرح و پیگیری این خواستها نه فقط جنگ خانمانسوز امروز می تواند فوراً پایان یابد بلکه زمینه های مساعدی فراهم خواهد آمد تا از جنگهای مشابه آتی نیز جلوگیری شود. عروج قطب سوم یعنی جهان متمدن تنها تضمین تغییر جهان به جهانی ایمن و فارغ از جنگ برای همه شهروندان دنیا خواهد بود.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ اسفند ۱۴۰۰، ۹ مارس ۲۰۲۲

ماهواره یاه ست

فرکانس: ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس: ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۵/۶


پخش زنده آنلاین:

newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com